

خبر	
ترکی الفیصل: هنوز زود است برای طرح ترامپ از فرط شادی دست بزنیم رئیس سابق سازمان اطلاعات عربستان درباره طرح ترامپ برای غزه گفت: زود است که از فرط شادی دست بزنیم. اظهارنظرهایی که از سمت ۲ طرف شنیده‌ام با این محور بوده که مشکل در جزئیات است و جزئیات نیز کم هستند. به گزارش ایسنا، «ترکی الفیصل»، رئیس پیشین سازمان اطلاعات عربستان در مصاحبه با رسانه آمراتی درباره اظهارات آمریکایی‌ها مبنی بر اینکه جنبش حزب الله لبنان شروع به تسلیح مجدد خود کرده عنوان کرد: «اگر آنها سند و مدرکی درباره این ادعی خود دارند آن را نشان دهند. آنها هیچ سند و مدرکی برای آن ندارند.» این دیپلمات سابق عربستانی در واکنش به اظهارات یک هفته پیش «تام باراک»، فرستاده بلندپایه آمریکا در امور سوریه و لبنان که گفته بود حزب‌الله لبنان شروع به بازسازی خود کرده این ارزیابی را مطرح ساخت. او در عین حال مدعی شد: «چنانچه حزب‌الله خلع سلاح نشود، نتیجه نهایی یک جنگ داخلی خواهد بود.» رئیس پیشین سازمان اطلاعات عربستان که با نشان صحبت می‌کرد، در خصوص طرح صلح پیشنهادی «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور آمریکا برای پایان دادن به جنگ غزه گفت: «هنوز باید صبر کنیم و زود است که از فرط شادی دست بزنیم و فریاد بزنیم. ما باید ببینیم چطور اعمال می‌شود. همه اظهارنظرهایی که از سمت ۲ طرف شنیده‌ام با این محور بوده که مشکل در جزئیات است و جزئیات نیز کم هستند.» ترکی الفیصل که سابقا سفیر عربستان در ایالات متحده بوده همچنین گفت تا زمانی که جنگ غزه به پایان نرسد به این کشور نمی‌رود. الفیصل تصریح داشت: «سیاست جایی نیست که مردم در آن بتوانند به کسی ایمان داشته باشند.» او اضافه کرد: «ترامپ عزم خود را برای محقق کردن آن چیزی که خواستارش شده، یعنی صلح در خاورمیانه، نشان داده است. او شانس این که آن را ثابت کند دارد. و به مجرد اینکه آن را اثبات کند آن موقع فکر می‌کنم بتوان گفت که به حرفهایش ایمان آورده‌ایم.» اخیرا رئیس جمهور آمریکا در رسانه اجتماعی «تروث سوشال» نوشت اسرائیل با «خط عقبنشینی اولیه» در غزه موافقت کرده است. این صحبت بعد از آن مطرح شده که کاخ سفید هم اعلامیه‌ای با موضوع ارائه تضمین‌های امنیتی برای قطر بعد از حمله تجاوزگرانه چند وقت پیش اسرائیل به این کشور عربی به منظور هدف قرار دادن نشست بهران حماس منتشر کرد. اخیرا الفیصل اظهار کرد: «فکر نمی‌کنم بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر اسرائیل اهمیتی برای نظرات مردم جهان قائل باشد. فکر می‌کنم چیزی که او به آن اهمیت می‌دهد باقی ماندن در قطر است و اما فراتر از آن فکر کنم او نباید کند که ترامپ خواستار آن است که او رفتاری سازنده در راستای حصول یک راه حل برای پایان جنگ و کشتار داشته باشد. و فکر کنم خیلی مهم است که این را در ذهن داشته باشیم.» او همچنین درباره موج اخیر به رسمیت شناختن کشور فلسطین در جریان برگزاری مجمع عمومی سازمان ملل خاطر نشان کرد: «این نه فقط برای عربستان بلکه برای بشریت یک موفقیت چشمگیر است؛ اینکه به فلسطینی‌ها بگویم بله، شما با ما برابر هستید و شما نه فقط قربانیان استعمارگری شده‌اید بلکه نمایندگان بر حق مردم خود هستید.»	



به گفته او، هفتم اکتبر تنها یک جنگ نظامی نبود، بلکه شوکی ژئوپلیتیکی بود که معادلات امنیتی، سیاسی و هویتی خاورمیانه را تغییر داد، مسئله فلسطین را دوباره در مرکز توجه جهان قرار داد و نشان داد که راه‌حل‌های مبتنی بر زور، بحران را تشدید می‌کنند؛ صالح بر این باور است که تنها مسیر ممکن برای ثبات منطقه، بازگشت به دیپلماسی و رویکردهای سیاسی است.

در ادامه متن کامل گفتگوی «خبرآنلاین» را با علم صالح، کارشناس مسائل بین‌الملل، مطالعه می‌کنید.

*** در دومین سالگرد ۷ اکتبر، آن را چطور تحلیل می‌کنید؟

من هفتم اکتبر را یک نقطه عطف تاریخی در تحولات خاورمیانه می‌دانم. این رویداد چیزی فراتر از یک درگیری نظامی بود؛ به عبارتی نه‌تنها یک درگیری نظامی محسوب می‌شود، بلکه تبعات آن منجر به تحولی استراتژیک و تغییراتی در گفتمان هویتی نیز شد. تأثیرات این واقعه برای سال‌ها در معادلات امنیتی، دیپلماتیک، سیاسی و حتی اجتماعی منطقه احساس خواهد شد. ممکن است سال‌ها طول بکشد تا ابعاد کامل آن روشن شود. در هر صورت این واقعه نشان می‌دهد که مسئله فلسطین و نادیده‌گرفتن آن می‌تواند چه تبعات انسانی، امنیتی و سیاسی برای کل منطقه، نه فقط برای اسرائیل و فلسطین داشته باشد. به همین خاطر، این اتفاق یادآور این نکته است که وضعیت موجود در منطقه ناپایدار است و هزینه نادیده گرفتن مسئله فلسطین همیشه بسیار بالاست.

از لحاظ نظری، معمولاً رخدادهای بزرگ تاریخی منجر به تغییرات اساسی در سطوح محلی، منطقه‌ای و حتی گاهی بین‌المللی می‌شوند. به‌عبارتی، هفتم اکتبر یک شوک ژئوپلیتیکی بود که تأثیرات آن تنها در سطح اسرائیل و فلسطین باقی نماند و به‌سرعت گسترش یافت و حتی در سطح فرمانطه‌ای نیز اثرگذار شد. بنابراین من این رویداد را یک اتفاق تاریخی مهم می‌دانم که بر چندین روند موجود در خاورمیانه تأثیر گذاشت یا آن‌ها را تشدید کرد و در نهایت باعث شد برخی معادلات در منطقه بازتعریف شوند.

نخستین اثر آن، واردکردن یکی از بزرگ‌ترین ضربات امنیتی به اسرائیل و در واقع، بزرگ‌ترین شکست امنیتی در تاریخ ۷۵ ساله این رژیم بود. این مسئله باعث شد تغییری بنیادین در دکترین امنیتی اسرائیل ایجاد شود. تا پیش از هفتم اکتبر، دکترین امنیتی اسرائیل بر مدیریت بحران یا مدیریت درگیری استوار بود، اما پس از این واقعه، به سمت دکترین تصمیم‌گیری قاطع سوق پیدا کرد که ماهیتی هجومی دارد.

به این ترتیب، بازنگری بنیادینی در استراتژی امنیت ملی اسرائیل رخ داد و این رژیم تلاش کرد دیدگاه خود را در مدیریت درگیری فراتر ببرد و وارد مرحله‌ای شود که با اتخاذ تصمیم‌های قاطع، به دنبال دستیابی به امنیت کامل باشد؛ امری که به‌طور طبیعی دست‌نیافت‌است. اما اسرائیل با ضربه‌ای که در هفتم اکتبر خورد، دیگر تاب و توان تحمل شکست امنیتی دیگری را نداشت و به همین دلیل، با توسل به حملات، سیاست‌ها و رفتارهایی که تصور می‌کرد امنیت کامل را برایش به ارمغان می‌آورد، رفتار خود را بازتعریف کرد.

اما باید توجه داشت که دستیابی به چنین امنیتی صرفاً با تکیه بر زور و قدرت نظامی امکان‌پذیر نیست، به‌ویژه زمانی که اسرائیل ناچار می‌شود حقوق بین‌الملل و افکار عمومی به داخلی، چه منطقه‌ای و چه جهانی را نادیده بگیرد. در واقع در شرایطی که اکثریت جامعه جهانی با چنین رویکردی به مسئله فلسطین مخالف است، اسرائیل به‌طور حتم لطمه‌های سنگینی به مشروعیت خود وارد کرده است.

*** چگونه ۷ اکتبر مسئله فلسطین را برای همیشه تغییر داد؟

در سطح گفتمانی و هویتی، هفتم اکتبر روایت مسلطی که اسرائیل را همواره به‌عنوان «قربانی» و موجودیتی که نیاز به امنیت دارد ارائه می‌کرد، به چالش کشید و تغییر داد. این روایت که اسرائیل تهدیدشده و نیازمند حمایت است، جای خود را به گفتمان و هویتی تازه داد که در سطح جامعه جهانی مورد پذیرش قرار گرفت؛ گفتمانی که بر این مبناست که فلسطین ملتی تحت اشغال و در حال مقاومت است.

به این ترتیب، مسئله فلسطین از یک مناقشه فراموش‌شده به مسئله‌ای حقوقی، انسانی و امنیتی تبدیل شد؛ هم برای کشورهای منطقه و هم برای جامعه جهانی. این موضوع اکنون به‌عنوان یک بحران فوری انسانی در دستور کار سازمان‌های بین‌المللی قرار گرفته است. اگرچه جنگ غزه

بزرگ‌ترین شکست امنیتی تاریخ اسرائیل رقم خورد

هفتم اکتبر نقطه عطف تاریخ خاورمیانه

علم صالح، پژوهشگر ایرانی-بریتانیایی و دانشیار دانشگاه ملی استرالیا، در گفت‌وگو با خبرآنلاین هفتم اکتبر را نقطه عطفی تاریخی در تحولات خاورمیانه خواند و تأکید کرد این واقعه نه‌تنها بزرگ‌ترین شکست امنیتی اسرائیل در تاریخ بود، بلکه گفتمان هویتی منطقه را نیز دگرگون کرد.



حدی تضعیف شده، اما همچنان به‌عنوان بازیگری مهم در منطقه حضور دارد.

در نتیجه، ما شاهد بازنگری در ائتلاف‌ها و اتحادهای منطقه‌ای هستیم. به‌عنوان نمونه، روابط ایران با تقریباً تمامی کشورهای منطقه در دو سال گذشته بهبود یافته است؛ از جمله با مصر، اردن و عربستان. توافقنامه امنیتی اخیر میان عربستان و پاکستان نیز پدیده‌ای تازه و قابل‌توجه است که بی‌تردید از تبعات تحولات پس از هفتم اکتبر و جنگ غزه و حمله اسرائیل به ایران و قطر به‌شمار می‌آید. این امر نشان می‌دهد که عربستان، که به‌طور سنتی متحد امنیتی آمریکا بود، اکنون به سمت همکاری با پاکستان کشوری نزدیک به چین گرایش پیدا کرده است؛ نشانه‌ای از پررنگ‌تر شدن نقش چین در معادلات منطقه‌ای.

در کنار این تحولات، نقش گروه‌های مسلح غیردولتی در منطقه تغییر کرده است. در عراق این نقش کاهش یافته، اما در سوریه همچنان گروه‌های مسلح فعال‌اند و این کشور برای سال‌ها درگیر بحران داخلی باقی خواهد ماند. اسرائیل نیز تمایل دارد سوریه هرگز دولت مرکزی قدرتمندی نداشته باشد و همواره درگیر مسائل داخلی در مناطق مختلف باشد. در مورد حزب‌الله و انصارالله(حوثی‌ها) نیز اگرچه رفتارشان در حال حاضر بیشتر سیاسی شده، اما نقش نظامی و امنیتی آن‌ها همچنان مهم و تأثیرگذار است.

به‌طور کلی، تحولات اخیر نشان داد که مهندسی امنیت در خاورمیانه همچنان در پیوند با رقابت‌های جهانی و منطقه‌ای است. در این چارچوب، ایران نیز در حال بازنگری در دکترین دفاعی خود است؛ به‌گونه‌ای که از دکترین دفاع در عمق-که در ۲۵ سال اخیر بر آن تکیه داشت به سمت دکترین دفاعی درون‌محور و مبتنی بر قدرت پایدار، شامل توان موشکی و اتمی-بودن حرکت کرده است. اگرچه این موضوع خود بحث مستقلی است، اما بی‌تردید یکی از تبعات مستقیم تحولات دو سال اخیر در خاورمیانه محسوب می‌شود.

*** برندگان و بازندگان اصلی ۷ اکتبر چه کسانی بودند؟

در مورد برندگان و بازندگان این جنگ باید بگویم که معمولاً در چنین جنگ‌هایی، به‌ویژه جنگ‌های ژئوپلیتیکی، هیچ‌کس برنده واقعی نیست. هیچ کشوری نمی‌تواند خود را پیروز بداند؛ این نوع درگیری‌ها در واقع بازی‌های استراتژیک و مستمر ژئوپلیتیکی هستند که همواره در حال تغییرند. البته بازندگان اصلی همیشه مردم غیرنظامی هستند که بیشترین آسیب را متحمل می‌شوند.

با این حال، می‌توان گفت که اسرائیل در این میان به‌شدت از نظر مشروعیت بین‌المللی و جایگاه دولت افراطی خود آسیب دید. در سطح افکار عمومی و نهادهای حقوقی بین‌المللی نیز اسرائیل با ضربات جدی روبه‌رو شد. در جنگ ۱۲ روزه علیه ایران هم اسرائیل نتوانست به اهداف کلیدی خود

دست پیدا کند.

*** از نظر شما اسرائیل در حمله به ایران چه اهدافی را دنبال می‌کرد؟

به نظر من، اسرائیل سه هدف عمده را در این روند دنبال می‌کرد. نخست، جلوگیری از پیشرفت هسته‌ای ایران یا پایان‌دادن به توان فناوری اتمی آن بود که بدون تردید به آن دست نیافت. دوم، واردکردن ضربات سنگین به صنعت موشکی ایران بود که هیچ نشانه‌ای وجود ندارد مبنی بر اینکه اسرائیل توانسته باشد چنین کاری انجام دهد؛ چراکه ایران از روز نخست تا آخرین روز، حملات موشکی خود را بدون وقفه ادامه داد و هیچ نشانه‌ای از توقف یا ضعف در این زمینه دیده نشد. سومین هدف، تلاش برای تغییر نظام سیاسی در ایران یا دست‌کم ایجاد ناآرامی و بی‌ثباتی داخلی بود. اما در طول جنگ و حتی پس از آن، هیچ نشانه‌ای از موفقیت در این زمینه دیده نشد.

به گفته خود مقام‌های آمریکایی و گزارش‌های پنتاگون جدا از اظهارات سیاسی آقای ترامپ صنعت هسته‌ای ایران همچنان پابرجاست و ایران سیاست ابهام هسته‌ای را دنبال می‌کند. به‌ویژه پس از فعال شدن مکاتسیم ماشه، ایران عملاً هیچ الزامی برای همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی ندارد و این موضوع می‌تواند کار را برای آمریکا و اسرائیل دشوارتر کند. در واقع، دسترسی آن‌ها به دانشته‌های هسته‌ای ایران به‌شدت محدود شده است. در نتیجه، اسرائیل نه توانست به اهداف هسته‌ای و موشکی خود دست یابد و نه در زمینه بی‌ثبات کردن ایران موفق بود.

*** مسئله اسرائیل به قطر را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ نسبت این حمله با ۷ اکتبر چیست؟

در مورد حمله به قطر نیز باید گفت این اقدام اشتباهی بزرگ بود. اگرچه در خاورمیانه‌ای که طی ۲۵ سال گذشته همواره صحنه تنش، درگیری و جنگ‌های داخلی یا بین‌کشوری بوده، چنین اشتباهاتی از سوی سیاست‌مداران چندان عجیب نیست. اما حمله اسرائیل به دوحه بدون تردید اشتباهی فاحش بود که هیچ دستاوردی برای تل‌آویو نداشت؛ بلکه موجب شد تمام چالش‌هایی که پیش‌تر به آن‌ها اشاره شد تشدید شوند و در نهایت اسرائیل بیش از پیش لطمه ببیند و از نظر مشروعیت منطقه‌ای و جهانی تضعیف شود.

شاید یکی از دلایل حمله به قطر، ناکامی اسرائیل در غزه بود؛ چراکه پس از دو سال نتوانست گروهان‌ها را آزاد کند و نتوانست حماس را از میان بردارد. در نهایت، اگر اسرائیل به هر توافقی برسد، راه آن از مسیر دیپلماسی خواهد گذشت، نه از مسیر نظامی.

بنابراین، تجربه‌های اخیر نشان داد که رویکردهای قدرت‌محور، نظامی‌محور و مبتنی بر زور اسرائیل نتیجه نمی‌دهند. تنها دیپلماسی و راه‌حل‌های سیاسی هستند که می‌توانند ثبات پایدار را در منطقه ایجاد کنند، نه بمباران، جنگ، جنایت‌های جنگی و نسل‌کشی.



بزرگ‌ترین شکست امنیتی در تاریخ ۷۵ ساله این رژیم بود. این مسئله باعث شد تغییر بنیادین در دکترین امنیتی اسرائیل ایجاد شود

خبر	
پدرسن: سوریه اصلاح نشود، لیبی دوم خواهد شد فرستاده ویژه سازمان ملل در سوریه در گفت‌وگویی با هشدار درباره وضعیت شکننده سوریه در دوران گذار با وجود درگیری‌های فرقه‌ای و کند بودن اصلاحات قضایی و امنیتی، گفت که این کشور بر «لبه تیغ» قرار دارد و برای جلوگیری از تبدیل شدن آن به لیبی نیاز به «اصلاح رویه» دارد. به گزارش ایسنا، «گیر پدرسن» فرستاده سازمان ملل در سوریه گفت که این کشور روی «لبه تیغ» قرار دارد و به «اصلاح رویه» نیاز دارد، چراکه درگیری‌های فرقه‌ای و سرعت کند اصلاحات گذار شکننده پس از سرگونی حکومت «بشار اسد» را تضعیف می‌کند. پدرسن در گفت‌وگو با روزنامه فاینانشال تایمز گفت که فرقه‌گرایی و تلاش‌های دولت نوپا برای انجام دادن اصلاحات قضایی و امنیتی منجر به بروز «نگرانی‌هایی» در سوریه شده که باعث کاهش حسن نیت اولیه نسبت به «احمد الشرع» رئیس هیات حاکمه این کشور شده است. پدرسن گفت: وضعیت به اندازه‌ای جدی است که روی لبه تیغ قرار دارد. ما همه می‌دانیم که اینگونه تغییرات زمان‌بر است اما او (الشرع) باید آنچه من (اصلاح رویه) می‌نامم را انجام دهد. به گفته او، سوریه در بدترین سناریو ممکن است «به لیبی تبدیل شود». اظهارات این فرستاده سازمان ملل اشاره به درگیری و نفاقى دارد که لیبی، این کشور شمال آفریقا را پس از سرنگونی «معمر قذافی» دیکتاتور این کشور توسط شورشیان در سال ۲۰۱۱ به تکه‌هایی از مناطق تحت کنترل گروه‌های مختلف تبدیل کرد. پدرسن در این باره گفت: هیچ کسی نمی‌خواهد این اتفاق بیفتد اما این یک خطر واقعی است. الشرع برای اصلاحات امنیتی در سوریه آمادگی ندارد رسانه انگلیسی نوشت: این هشدار جدی تقریباً یک سال پس از آن مطرح می‌شود که الشرع با هدایت گروهی از شورشیان مسلح(هویت تحریرالاشام) بشار اسد را سرنگون کرد و حاکمیت بیش از ۵۰ ساله خانواده او را به پایان رساند. سوریه یکشنبه گذشته انتخابات پارلمانی برگزار کرد که با وجود این که عمدتاً نمادین بود، آرزونی برای تعهد الشرع به یک دوران گذار به نمایندگی از همه گروه‌ها و احزاب محسوب می‌شد. اما تحریرالاشام همچنان نیروی غالب در سوریه است و ایمان سوری‌ها به رهبری این کشور به لیل نبردهایی که نیروهای امنیتی در آن مشارکت داشتند و رنگ و بوی فرقه‌ای به خود گرفت، متزلزل شده است. به الشرع حداقل هزار و ۴۰۰ نفر در ماه مارس منطقه لاذقیه کشته شدند. خشونت‌های مشابهی نیز در ژوئیه در استان جنوبی سوید رخ داد که اعضای جامعه دروزی، قبایل بدوی و نیروهای امنیتی در آن نقش داشتند. رژیم صهیونیستی نیز که یک نوار مرزی در جنوب سوریه را اشغال کرده است، با انجام دادن حملات هوایی به نیروهای الشرع و وزارت دفاع در دمشق وضعیت را بدتر کرده و اعلام کرد که از دروزی‌های سوریه حمایت می‌کند؛ اقدامی که طبق تحلیل‌ها با هدف تجزیه و تضعیف این کشور همسایه انجام می‌شود. پدرسن گفت: بسیاری از مردم به من می‌گویند که (این خشونت‌ها) نشان می‌دهد که او(الشرع) نمی‌تواند مردم خود را کنترل کند. آن‌ها از من می‌پرسند این چه پیامی را منتقل می‌کند؟ به نظر من آن‌ها کاملاً درک نکرده‌اند که این مسئله برای کل فرایند گذار تا چه اندازه جدی است. او از سرعت کند ادغام گروه‌های متعدد شورشی سنی که از حمله دسامبر الشرع حمایت کرده بودند و به دولت او وابسته هستند در یک سیستم امنیتی رسمی ابراز تاسف کرد. فرستاده سازمان ملل معتقد است که الشرع برای انجام دادن اصلاحات امنیتی «آمادگی ندارد.» او افزود: اتفاقی که می‌افتد، این است که همه این گروه‌ها در حال ایجاد قلمروهای تحت کنترل خود در اطراف کشور هستند. در همین حال، دولت برای اعمال حاکمیت بر بخش‌های وسیعی از کشور با مشکل مواجه است.	



عراقچی:

حیات شهری ما نمی تواند به دور از مدیریت صحیح مناطق پیرامونی شهرها باشد

و سیستم های حمل و نقلی ناکارآمد، از جمله مهمترین مسائلی هستند که در یک مدیریت کارآمد شهری می بایست توجه ویژه ای به آنها نمود. جهان امروز برای برون رفت از این چالشها، تغییر الگوهای رفتاری در تولید و مصرف، بهره‌گیری از انرژیهای پاک و پایدار به‌ویژه در بخشهای صنعت حمل و نقل و مصارف خانگی و حرکت به سوی اقتصادی چرخشی بر پایه مدیریت کارآمد پسماندها و منابع آبی و استفاده مجدد از این منابع را توصیه می‌کند؛ سیاستگذاری و سرمایه گذاری مناسب برای حرکت به سوی این اهداف به عنوان شاخصه‌های مهم توسعه یافتگی کشورها شناخته می شود.

با این حال در یک نگاه کلان، حیات شهری ما نمی تواند به دور از مدیریت صحیح مناطق پیرامونی شهرها باشد. شهرها بخشی لاینفک از اکوسیستم پیرامونی خود هستند. هم بر آنها اثر می گذراند و هم از آنها تأثیر می‌پذیرند. آنچه امروز به عنوان آلودگی هوا، طوفان های گرد و غبار یا فرونشست زمین شاهد هستیم، علاوه بر چالش‌های درون‌شهری، ریشه در استفاده و مدیریت ناصحیح مناطق پیرامونی شهرها و منابع آبی دارد و این مساله مستلزم در پیش گرفتن رویکردهای جامع و سیاست‌های همه‌جانبه یکپارچه و منسجم است. علاوه بر این توسعه اجتماعی و اجرای سیاستهای اجتماعی عادلانه در محیط های شهری مناسب با هدف جلوگیری از مساله حاشیه نشینی در شهرها و مقابله با زمینه های رشد جرائم، از جمله دیگر موضوعات مهمی است که تمدن امروز بشر ناگزیر از بذل توجه ویژه به آنها است.

وزیر امور خارجه در پیامی به مناسبت «روز جهانی اسکان بشر» تأکید کرد: توسعه اجتماعی و اجرای سیاست‌های اجتماعی عادلانه در محیط‌های شهری مناسب با هدف جلوگیری از مساله حاشیه‌نشینی در شهرها و مقابله با زمینه‌های رشد جرائم، از جمله موضوعات مهمی است که تمدن امروز بشر ناگزیر از بذل توجه ویژه به آنهاست.

به گزارش ایسنا، متن کامل پیام «سید عباس عراقچی» بدین شرح است: بشر در سیر تکاملی خود زمانی تمدن شناخته شد که امکان انتخاب، ایجاد و توسعه سکونتگاهها را پیدا کرد و در مکانی مناسب اسکان یافت. اگر صدها سال پیش اسکان بشر و شهرنشینی با شکلی ابتدایی و ملاحظاتای ساده همراه بود، امروز برای برخورداری از سکونتگاههای مناسب می بایست ده‌ها و بلکه صدها متغیر را مورد توجه قرار داد؛ لذا مدیریت شهرها و سکونت گاههای بشری با رویکردهای سنتی دیگر امکان پذیر نیست.

از سوی دیگر، تحولات جهانی به‌ویژه آنچه در مورد این کره خاکی در حال اتفاق است، ما را ناگزیر از توجه به متغیرهایی می‌کند که تا چند دهه قبل توجه چندانی به آنها نمی شد. تغییرات آب و هوایی، تخریب گسترده منابع طبیعی و تنوع زیستی و آلودگی‌های گسترده به همراه بلایای طبیعی چون سیل، زلزله و طوفانهای گرد و غبار برای کشوری چون ما با اقلیمی خشک و کم‌آب که در معرض خشکسالیهای شدید و بیپای نیز قرار دارد، الزامات جدیدی را می طلبد.

همچنین آلودگی‌های مختلف ناشی از سوء مدیریت پسماندها، سوخت